

ازدواج شوم دختر ۱۴ ساله با شوهرخواهرش

1 شهریور 1404

زن نوجوان با مراجعه به پلیس گفت که شوهرخواهرش باعث مرگ خواهر او شده، با این حال با این مرد ازدواج کرده و اکنون پشیمان است.

زن ۱۷ ساله ای که کودک یک ساله اش را در آغوش می فشرد، به کارشناس اجتماعی کلانتری گلشهر مشهد گفت: در یک خانواده ۱۰ نفره متولد شدم. پدرم کارگر ساده ساختمانی بود و به زحمت مخارج زندگی را تامین می کرد. به همین دلیل هم هیچ کدام از خواهران و برادرانم نتوانستند تا مقطع دیپلم ادامه تحصیل بدهند. من هم که در این شرایط درس می خواندم، بالاخره در کلاس هفتم ترک تحصیل کردم و به امور خانه داری مشغول شدم.

من همواره نگران خواهرم بودم چراکه شوهرش دست بزن داشت و مدام او را اذیت می کرد. ولی خواهرم هر بار که با چشمانی کبود و صورتی زخمی به خانه پدرم می آمد، می گفت مثلاً صورتش به لبه کابینت یا آپن آشپزخانه خورده است و این گونه اختلافات و درگیری ها با شوهرش را پنهان می کرد.

روزگار به همین ترتیب سپری می شد تا اینکه ۴ سال قبل یک حادثه تکان دهنده زندگی ما را زیر و رو کرد. آن روز خواهرم در حالی که ۳ فرزند خردسال داشت، پس از مشاجره و کتک کاری با شوهرش تصمیم گرفت به خانه ما بیاید، چراکه احسان او را از خانه بیرون انداخته بود. ولی خواهرم بین راه با یک خودرو سواری تصادف کرد و در دم جان سپرد.

از آن روز به بعد احسان خیلی ابراز ندامت می کرد و از اینکه با همسرش بدرفتاری کرده بود، بسیار عذاب می کشید و وجدانش ناراحت بود. از سوی دیگر اطرافیان مان اصرار می کردند برای آنکه فرزندان خواهرم زیر دست نامادری قرار نگیرند، من با احسان ازدواج کنم. من هم که دچار دلسوزی شده بودم، بالاخره پذیرفتم و با آنکه ۱۴ سال بیشتر نداشتم، با احسان که آن زمان ۳۲ ساله بود، ازدواج کردم.

اوایل زندگی شوهرم به خاطر همین عذاب وجدان سعی می کرد با من مهربان باشد، ولی بعد از آنکه دخترم به دنیا آمد ورق برگشت و او دوباره رفتارهای زشت و شرم آور خود را شروع کرد تا حدی که پس از مشاجره با من حساب بانکیش را خالی می کرد و من حتی برای تهیه شیرخشک و پوشک بچه دچار مشکل می شدم. با وجود این، فقط به خاطر دخترم و فرزندان خردسال خواهرم، با همه تلخکامی ها می ساختم. ولی اکنون دیگر تحمل این رفتارهای حقارت آمیز را ندارم و می خواهم از او جدا شوم.

با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ ابراهیم عربخانی رئیس کلانتری گلشهر مشهد اقدامات مشاوره ای و روان شناختی با دعوت از احسان در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد تا از طلاق این زوج جلوگیری شود.